نگاه

قدرتی که خرج می‌شود قدرتی که ساخته می‌شود

رحمت‌الله دریجانی

در محاسبه هزینه جنگ، معمولا آنچه ازدست‌رفته شمرده می‌شود؛ تأسیسات آسیب‌دیده، منابع مصرف‌شده و درآمدهایی است که دیگر به دست نمی‌آیند. اما بخشی از خسارت‌ها در هیچ گزارشی ثبت نمی‌شوند. نیروگاهی که قرار بود ساخته شود و نشد، کارخانه‌ای که توسعه آن به تعویق افتاد، سرمایه‌ای که از تولید فاصله گرفت و متخصصی که دیگر آینده خود را در کشور نمی‌بیند، همگی بخشی از هزینه‌هایی هستند که شاید اثرشان سال‌ها بعد آشکار شود. این مسئله برای ایران اهمیت بیشتری دارد؛ کشوری که در کنار فشار خارجی، با ناترازی انرژی، فرسودگی زیرساخت‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری و مشکلات انباشته اقتصادی روبه‌روست. در چنین وضعیتی، حتی اگر یک بحران نظامی بدون شکست در میدان پایان یابد، هنوز نمی‌توان درباره نتیجه نهایی آن قضاوت کرد. باید دید کشور با چه ظرفیت اقتصادی و انسانی از بحران بیرون آمده است. در منازعه ایران و آمریکا، بحث درباره بازدارندگی، هزینه‌های تحمیل‌شده به طرف مقابل و آینده مذاکرات ضروری است. بااین‌حال، پرسشی کمتر مطرح می‌شود: ایران در این دوره، علاوه بر حفظ توان موجود، چه ظرفیت تازه‌ای برای سال‌های آینده ایجاد می‌کند؟ دفاع مؤثر در بلندمدت به اقتصادی نیاز دارد که بتواند تولید کند، فناوری توسعه دهد و منابع مورد نیاز خود را بازسازی کند. هیچ کشوری نمی‌تواند برای مدتی نامحدود از ذخیره قدرت گذشته استفاده کند، بی‌آنکه به فکر جایگزین‌کردن آن باشد. در سیاست فشار آمریکا نیز نباید فقط به تحریم یک محموله نفتی یا محدودیت یک بانک توجه کرد. اثر عمیق‌تر فشار اقتصادی زمانی آشکار می‌شود که سرمایه‌گذاری عقب بیفتد، تأمین تجهیزات دشوار شود و منابع دولت به‌جای توسعه ظرفیت‌های تازه، صرف اداره بحران‌های پی‌درپی شود. البته همه این مشکلات را نمی‌توان به واشنگتن نسبت داد. بخشی از آسیب‌پذیری اقتصاد ایران نتیجه تصمیم‌ها و ناکارآمدی‌هایی است که پیش از تشدید منازعه نیز وجود داشته‌اند. تحریم را نمی‌توان با اصلاح اداری از میان برد، همان‌طورکه رفع تحریم به‌تنهایی ناترازی برق، ضعف نظام بانکی یا بی‌ثباتی مقررات را درمان نمی‌کند.

وقتی بودجه فقط به امروز پاسخ می‌دهد

نخستین مسئله به شیوه تخصیص منابع عمومی برمی‌گردد. در دوره بحران، نیازهای فوری بر برنامه‌های بلندمدت غلبه می‌کنند. این اتفاق تا حدی اجتناب‌ناپذیر است؛ دولت نمی‌تواند تأمین خدمات ضروری یا جبران خسارت‌های فوری را به آینده موکول کند. مشکل زمانی شکل می‌گیرد که امور اضطراری به شیوه دائمی اداره کشور تبدیل شوند. دولت می‌تواند در چارچوب بودجه عمومی، برنامه‌ای چندساله برای کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها و صنایع حیاتی تعریف کند؛ برنامه‌ای با منابع مشخص، نظارت‌پذیر و متکی بر نتیجه. تفاوت چنین برنامه‌ای با ردیف‌های عمرانی معمول باید در معیار انتخاب پروژه‌ها باشد. ساخت یک نیروگاه مهم است، اما اگر برق آن به پایداری تولید در منطقه صنعتی کمک نکند، نمی‌توان صرفا با اعلام ظرفیت نصب‌شده از موفقیت سخن گفت. توسعه مسیرهای حمل‌ونقل نیز زمانی ارزش بیشتری دارد که وابستگی کشور به یک مسیر آسیب‌پذیر را کاهش دهد. پیشنهاد عملی آن است که پیش از تصویب پروژه‌های منتخب، دستگاه مسئول توضیح دهد اجرای طرح، کدام خطر مشخص را کاهش می‌دهد و نتیجه آن چگونه اندازه‌گیری خواهد شد. بودجه نباید فقط نشان دهد دولت چه چیزی ساخته است؛ باید روشن کند کشور در برابر کدام خطر، کمتر آسیب‌پذیر شده است.

حمایت از صنعت، بدون تعهد تازه؟

مسئله دوم به رابطه دولت با بنگاه‌های تولیدی مربوط است. حمایت از تولید اغلب به پرداخت تسهیلات، تمدید مهلت بدهی‌ها یا اختصاص منابع ارزان‌تر محدود می‌شود. این حمایت‌ها گاهی از تعطیلی یک واحد جلوگیری می‌کنند، اما الزاما باعث نمی‌شوند آن واحد در برابر بحران بعدی آماده‌تر باشد. می‌توان بخشی از حمایت‌های صنعتی را به قراردادهایی مشروط تبدیل کرد. دولت به بنگاهی که برای اقتصاد کشور اهمیت دارد کمک کند، اما در مقابل، تعهدی قابل سنجش بگیرد؛ مثلا کاهش وابستگی به یک قطعه وارداتی، ایجاد مسیر دوم تأمین مواد اولیه، کاهش مصرف انرژی یا حفظ ظرفیت تولید در دوره اختلال. پرداخت حمایت نیز مرحله‌ای و وابسته به تحقق تعهدات باشد. بنگاهی که به هدف توافق‌شده نرسیده، نباید صرفا به دلیل سابقه دریافت تسهیلات از حمایت بعدی برخوردار شود. البته بدون رقابت و شفافیت، این سازوکار ممکن است به شکل تازه‌ای از رانت تبدیل شود. انتخاب بنگاه‌ها باید براساس معیارهای عمومی صورت گیرد و قراردادها مدت مشخص داشته باشند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

نگاه همسایه به یک فرصت راهبردی

تله پیروزی‌های زودگذر

عبدالله گل در «پراجکت سیندیکیت» چه پیامی برای تهران دارد؟

محمد مقصود

در میانه تنش‌های کم‌سابقه خاورمیانه، گاهی یک هشدار از سوی همسایه‌ای می‌تواند بیش از ده‌ها تحلیل رسمی ارزش تأمل داشته باشد. عبدالله گل، رئیس‌جمهور پیشین ترکیه، در یادداشت تازه خود در «پراجکت سیندیکیت» با عنوان «لحظه فرصت ایران»، از یک مسئله بنیادین سخن می‌گوید: نباید مزیت‌های کوتاه‌مدت را با دستاوردهای پایدار راهبردی اشتباه گرفت. گل در عین حال که حمله آمریکا و اسرائیل به ایران را فاقد مشروعیت بین‌المللی و عامل بی‌ثباتی منطقه می‌داند، از تهران نیز می‌خواهد در ارزیابی دستاوردهای خود گرفتار رویکرد حداکثری نشود. از نگاه او، ایران نشان داده است که توان پاسخ‌گویی و مقاومت در برابر حملات را دارد و برخلاف انتظار برخی محافل غربی، فشار نظامی به فروپاشی داخلی منجر نشده است؛ اما همین موفقیت، نباید به محاسبه‌ای منتهی شود که هزینه‌های ادامه مسیر را نادیده بگیرد.

مسئله فقط میدان نیست؛ زندگی مردم است

شاید مهم‌ترین بخش یادداشت گل، جایی باشد که بحث امنیت و قدرت را به «رفاه مردم» پیوند می‌زند. او تصریح می‌کند که مسئولیت اصلی هر دولت، حفاظت از رفاه مردم کشورش است و از همین منظر، تأکید دارد که با توجه به هزینه‌هایی که هم دولت و هم جامعه ایران متحمل شده‌اند، باید رفع تحریم‌ها و بهبود شرایط زندگی ایرانیان در اولویت قرار گیرد. این نکته، صرفا یک توصیه اقتصادی نیست؛ بلکه یک گزاره راهبردی است. قدرت ملی زمانی پایدار می‌ماند که بتواند امنیت، اقتصاد و رضایت اجتماعی را در کنار یکدیگر حفظ کند. اگر یک کشور در میدان بتواند مقاومت کند اما نتواند این دستاورد را به کاهش فشار اقتصادی و بهبود زندگی مردم تبدیل کند، فاصله میان «توان مقاومت» و «ظرفیت حکمرانی» افزایش خواهد یافت. از این منظر، پرسش اصلی دیگر فقط این نیست که چه کسی در میدان نظامی دست بالا را داشته؛ پرسش مهم‌تر این است که این برتری چگونه و با چه سرعتی به یک دستاورد سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک تبدیل می‌شود؟

هیچ اهرمی برای همیشه اهرم نیست

یکی از نکات قابل تأمل در تحلیل گل، درباره تنگه هرمز است. او معتقد است اهرم راهبردی ایران بر هرمز دائمی نیست و هم‌زمان مسیرهای جایگزین در حال توسعه‌اند. این گزاره را باید جدی گرفت. در سیاست بین‌الملل، ارزش یک اهرم فقط به قدرت بالقوه آن بستگی ندارد؛ به این نیز وابسته است که رقیب تا چه اندازه می‌تواند برای آن جایگزین پیدا کند. هرچه مسیرهای جایگزین انرژی و حمل‌ونقل توسعه یابند، هزینه استفاده مکرر از برخی اهرم‌ها ممکن است افزایش و کارایی آنها کاهش یابد. بنابراین هنر سیاست خارجی فقط داشتن اهرم نیست؛ هنر اصلی، تشخیص زمان مناسب برای استفاده از آن و تبدیل آن به امتیاز پایدار است.

پنجره فرصت همیشه باز نمی‌ماند

گل در بخش دیگری از یادداشت خود، بر عنصر زمان تأکید می‌کند. به اعتقاد او، پنجره کنونی برای دستیابی ایران به رفع تحریم‌ها، پایان محاصره و بازگشت تدریجی به جامعه بین‌المللی ممکن است برای همیشه باز نماند. او مشخصا انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در نوامبر را نقطه‌ای می‌داند که می‌تواند محاسبات دولت ترامپ را تغییر دهد و فوریت دستیابی به توافق را کاهش دهد. این بخش از تحلیل گل شاید مهم‌ترین هشدار او باشد: قدرت چانه‌زنی یک کشور، یک سرمایه ثابت نیست. همان‌گونه که شرایط امروز می‌تواند برای ایران فرصت ایجاد کند، تغییر شرایط سیاسی در واشینگتن، تحول روابط کشورهای عربی با آمریکا، ایجاد مسیرهای جایگزین انرژی و تغییر محاسبات بازیگران منطقه‌ای می‌تواند فردا این فرصت را محدودتر کند. سیاست خارجی موفق، الزاما سیاستی نیست که بیشترین امتیاز را در یک لحظه مطالبه کند؛ گاهی سیاست موفق آن است که بداند چه زمانی باید از یک امتیاز نسبی، بیشترین دستاورد ممکن را استخراج کرد.

همسایگان عرب؛ تهدید یا فرصت؟

گل در تحلیل خود به تحول دیگری نیز توجه می‌کند: کشورهای خلیج فارس بیش از گذشته درباره میزان اتکای خود به آمریکا در حوزه امنیت تردید دارند و ممکن است در پی تنوع‌بخشی به روابط خود، از جمله با چین، باشند. در چنین شرایطی، از نگاه گل، ادامه رفتار خصمانه با کشورهای عربی می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و آنان را دوباره به ترتیبات امنیتی پیشین بازگرداند. به همین دلیل، او عادی‌سازی روابط ایران و عربستان را گامی مهم برای شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید می‌داند. این بخش از سخنان گل را می‌توان فراتر از توصیه‌ای درباره رابطه تهران و ریاض دید. پیام آن این است که خلأهای ژئوپلیتیک فقط برای یک طرف فرصت ایجاد نمی‌کنند؛ اگر به‌موقع مدیریت نشوند، دیگران نیز می‌توانند آنها را پر کنند.

دیپلماسی، تسلیم نیست

شاید مهم‌ترین سوءتفاهم در سیاست خارجی این باشد که مذاکره با عقب‌نشینی و توافق با تسلیم یکی گرفته شود. گل چنین برداشتی ندارد. پیشنهاد او به ایران این نیست که از مواضع خود دست بکشد، بلکه این است که از رویکرد حداکثری فاصله بگیرد و از موقعیت کنونی برای رفع تحریم‌ها، پایان محاصره و بازگشت به تعامل گسترده‌تر با جامعه بین‌المللی استفاده کند؛ آن هم بدون آنکه این روند الزاما به معنای «تسلیم» باشد. این دقیقا همان نقطه‌ای است که سیاست خارجی از شعار فاصله می‌گیرد و به هنر محاسبه نزدیک می‌شود. قدرت نظامی می‌تواند امنیت ایجاد کند؛ اما به‌تنهایی نمی‌تواند رفاه بسازد. مقاومت می‌تواند هزینه حمله را افزایش دهد؛ اما لزوما تحریم را برنمی‌دارد. اهرم منطقه‌ای می‌تواند طرف مقابل را پای میز مذاکره بیاورد؛ اما اگر در زمان مناسب به توافقی پایدار تبدیل نشود، ممکن است به‌تدریج ارزش خود را از دست بدهد.

پیام یک همسایه

یادداشت عبدالله گل را نباید نسخه‌ای مقدس یا حقیقتی بی‌چون‌وچرا تلقی کرد. او سیاست‌مداری ترک است و طبیعی است که تحلیلش منافع و ملاحظات منطقه‌ای ترکیه را نیز در خود داشته باشد. اما ارزش سخنان او در جای دیگری است: این هشدار از سوی کسی می‌آید که منطقه را از نزدیک می‌شناسد و مسئله را نه صرفا از زاویه واشنگتن یا تل‌آویو، بلکه از منظر نظم آینده خاورمیانه می‌بیند. پیام اصلی او را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: پیروزی تاکتیکی، زمانی به موفقیت راهبردی تبدیل می‌شود که بتوان آن را به امنیت پایدار، رفاه مردم و توافق سیاسی تبدیل کرد. برای تهران، شاید مسئله امروز فقط حفظ دستاوردها نباشد؛ مسئله مهم‌تر، جلوگیری از تبدیل دستاوردهای کوتاه‌مدت به فرصت‌های از دست‌رفته فرداست. در سیاست، همیشه شکست از آنِ کسی نیست که در میدان عقب می‌نشیند؛ گاهی شکست نصیب کسی می‌شود که پیروزی خود را به‌موقع به یک توافق پایدار تبدیل نمی‌کند. و شاید این همان معنایی باشد که عبدالله گل از «لحظه فرصت ایران» می‌خواهد به تهران منتقل کند: پنجره فرصت، اگر به‌موقع گشوده نشود، ممکن است به همان سرعتی که باز شده، بسته شود.

منبع اصلی: یادداشت عبدالله گل در Iran's Moment of Op- ـ Project Syndicate portunity

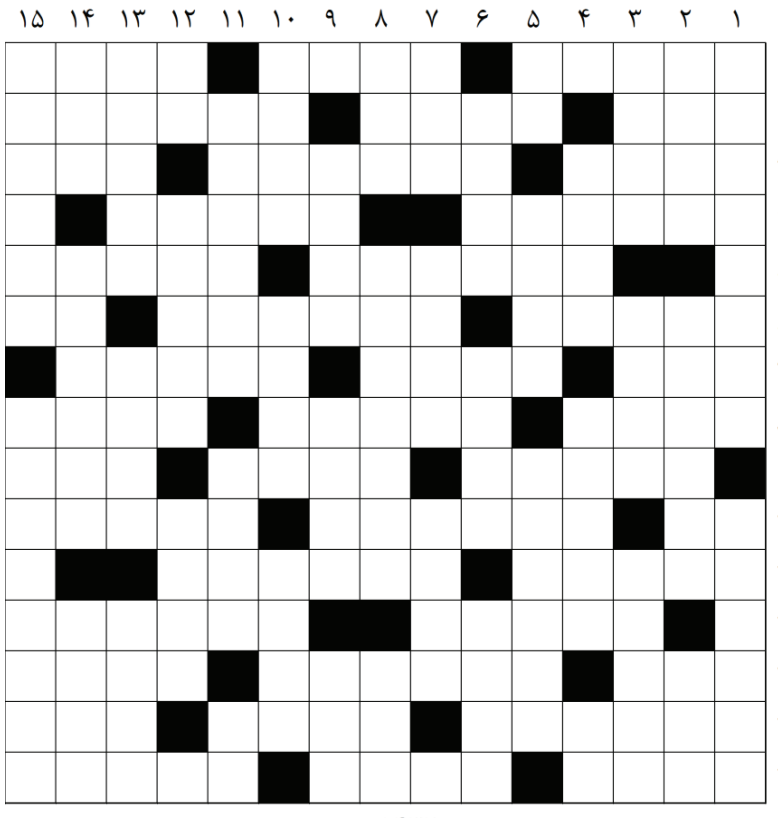
موقتی‌شدن زندگی و زیستن ایرانیان در انتظار

فرهاد نوایی: صبح را با خبری آغاز می‌کنی که از آماده‌سازی ارتش آمریکا برای حملات تازه به ایران می‌گوید؛ چند ساعت بعد، تیتر دیگری احتمال هدف قرارگرفتن تأسیسات انرژی و زیرساخت‌های حیاتی را پیش چشم می‌گذارد. یک مقام اسرائیلی از بازگرداندن ایران به «عصر حجر» سخن می‌گوید و خبر بعدی از مذاکرات، احتمال توقف درگیری یا تغییر تصمیم واشینگتن حکایت دارد. هنوز فرصتی برای فهم معنای این خبرها پیدا نکرده‌ای که نرخ ارز، قیمت کالاهای ضروری، محدودیت‌های تجارت و نگرانی از آینده درآمد، تصویر دیگری از فردا می‌سازند. در چنین فضایی مسئله فقط ترس از جنگ یا دشواری معیشت نیست؛ گویی خود زندگی اعتبار زمانی‌اش را از دست می‌دهد. کسی نمی‌داند تصمیمی که امروز می‌گیرد، سه ماه بعد هنوز معنا خواهد داشت یا نه. دعوتی خانوادگی، برنامه سفری کوتاه، خرید وسیله‌ای ساده، شروع یک فعالیت اقتصادی یا حتی تصور جشن تولد، ناگهان با پرسشی همراه می‌شود: «مگر معلوم است تا آن موقع چه می‌شود؟» این پرسش ظاهرا محتاطانه، اگر به جمله ثابت زندگی تبدیل شود، شاید تجربه‌ای عمیق‌تر بسازد که می‌توان آن را «احساس موقتی‌بودن» نامید؛ احساسی که در آن نه فقط برنامه‌ها، بلکه شادی‌ها، روابط و حتی تصویری که انسان از آینده خود می‌سازد، معلق می‌مانند. موقتی‌بودن در شرایط عادی بخشی از زندگی است. هر انسانی می‌داند که همه‌چیز تغییر می‌کند و هیچ آینده‌ای تضمین‌شده نیست. اما تفاوت بزرگی وجود دارد میان پذیرفتن طبیعی تغییر و زندگی‌کردن در فضایی که پیوسته احتمال فروپاشی برنامه‌ها را یادآوری می‌کند. در وضعیت دوم، فرد ممکن است نه از سر بی‌مسئولیتی، بلکه از سر فرسودگی تصمیم، انتخاب‌های مهم را به تعویق بیندازد: ازدواج را «بعد از روشن‌شدن اوضاع»، فرزندآوری را «بعد از ثبات اقتصاد»، سرمایه‌گذاری را «بعد از معلوم‌شدن تکلیف سیاست» و حتی استراحت را «بعد از عبور از این مرحله». مشکل از جایی آغاز می‌شود که این «بعد» هیچ‌وقت تاریخ مشخصی ندارد. زندگی به اتاق انتظاری بدل می‌شود که در آن قطار شاید برسد، شاید مسیرش عوض شود و شاید اساسا ایستگاه تعطیل شود. در چنین وضعی، آدم‌ها ممکن است مشغول باشند، کار کنند و هر روز ده‌ها تصمیم کوچک بگیرند، اما احساس پیش‌رفتن نداشته باشند؛ فعالیت ادامه دارد، ولی تجربه ساختن آینده ضعیف می‌شود. پژوهش‌های روان‌شناختی نیز برای بررسی این برداشت، البته نه به‌عنوان حکمی درباره تمام ایرانیان، شواهدی فراهم می‌کنند. باسیلیچی و همکاران در مروری نظام‌مند در سال ۲۰۲۵ گزارش کرده‌اند که در بسیاری از مطالعات، رویدادهای تنش‌زای جمعی مانند جنگ و بحران اقتصادی با تضعیف جهت‌گیری افراد به آینده ارتباط داشته‌اند؛ هرچند یافته‌ها یکدست نبوده و رابطه علی قطعی را ثابت نکرده‌اند. معنای اجتماعی این موضوع مهم است: آینده فقط مجموعه‌ای از روزهای نیامده نیست، بلکه فضایی ذهنی است که انسان در آن امکان انتخاب، پیشرفت و استمرار زندگی‌اش را تصور می‌کند. وقتی آن فضا کوچک شود، ممکن است حال نیز فقیرتر تجربه شود. برای مثال، لذت یک شام خانوادگی صرفا به غذایی که روی میز است وابسته نیست؛ به توانایی حضورداشتن در آن لحظه نیز مربوط است. اگر ذهن پیوسته به فردای نامعلوم حواله داده شود، حتی یک خوشی کوچک ممکن است پیش از کامل‌شدن با احساس گناه، احتیاط یا جمله «الان وقت خوشی است؟» قطع شود. مالیوآر و همکاران در پژوهشی در سال ۲۰۲۲ میان نگرانی مزمن، دشواری تحمل بلاتکلیفی و کاهش توان بهره‌مندی از هیجان‌های مثبت، رابطه یافته‌اند. اما اینجا نباید از علم نتیجه‌ای یک‌طرفه گرفت؛ گریگوری و همکاران در پژوهشی دیگر نشان داده‌اند که تجربه برخی شکل‌های نااطمینانی حتی می‌تواند توجه به لذت‌های لحظه‌ای را بیشتر کند. پس ادعا این نیست که هر تهدیدی شادی را نابود می‌کند؛ مسئله احتمالا زمانی جدی‌تر می‌شود که تهدیدها تکراری، راه‌های اثرگذاری فرد محدود و افق پایان بحران نامعلوم باشد. در این میان، رسانه‌ها نیز صرفا ناقل خبر نیستند؛ ترتیب، تکرار و لحن خبرها ممکن است در ساختن حس زمان نقش داشته باشد. وقتی هر شب تهدید حمله با تحلیل فروپاشی اقتصادی و فردای سیاسی گره می‌خورد، مرز میان احتمال و قطعیت در تجربه روزمره ممکن است کم‌رنگ شود، حتی اگر در واقع هیچ تصمیم نهایی برای حمله تازه اتخاذ نشده باشد. حکمرانی نیز نمی‌تواند این احساس تعلیق را تنها به دشمن خارجی نسبت دهد. وقتی سیاست‌های داخلی غیرقابل پیش‌بینی، اطلاعات عمومی ناکافی و مسئولیت تصمیم‌ها مبهم باشد، ظرفیت مردم برای برنامه‌ریزی کمتر می‌شود؛ حتی آرامش نسبی هم ممکن است باورپذیر نباشد. بااین‌حال، تصویر جامعه را نباید به جمعیتی بی‌اراده و محروم از شادی تقلیل داد. بسیاری ممکن است درست در دل نااطمینانی، با دوستی، طنز، همدلی و آیین‌های کوچک روزانه برای خود تکیه‌گاه بسازند. این پایداری مهم است، اما نباید جای مسئولیت نهادهای تصمیم‌گیر را بگیرد. در پژوهشی کیفی درباره تجربه جنگ در غزه، ورونزه و همکاران در سال ۲۰۲۶ نشان داده‌اند که انتظار طولانی و تعلیق زندگی چگونه می‌تواند درک افراد از گذر زمان و امکان آینده را دگرگون کند؛ تجربه آن جامعه را نمی‌توان بی‌واسطه به ایران تعمیم داد، اما پرسشی مشترک پیش می‌کشد: چه بر سر مردمی می‌آید که مدام مجبورند زندگی را تا «روشن‌شدن اوضاع» عقب بیندازند؟ شاید تراژدی پنهان این وضعیت آن باشد که روزی خطر رفع شود، اما بخشی از عمر صرف انتظار زندگی شده باشد. جامعه‌ای که همواره به فردا حواله داده می‌شود، ممکن است امروز خود را زندگی نکند. خطر فقط این نیست که آینده‌ای نامطمئن در راه باشد؛ مخاطره بزرگ‌تر آن است که حس موقتی‌بودن، به پایدارترین احساس زندگی تبدیل شود. چه تراژدی تلخی است که ملتی با هزاران سال پیشینه تاریخی و شکوه تمدنی، با آن همه میراث فرهنگی، اندیشه و آرزوهای بزرگ، به روزگاری رسیده باشد که مردمانش نه برای ساختن زندگی، بلکه تنها برای عبور از روزها بیدار شوند؛ آرزوهایشان را به روزهای آرام‌تر موکول کنند، شادی‌های کوچک را با تردید تجربه کنند و سال‌ها در انتظار فردایی بمانند که شاید هرگز از راه نرسد. اما تراژدی بزرگ‌تر شاید روزی آشکار شود که دیگر خبری از تهدید و بحران نباشد و ایرانیان دریابند آنچه قرار بود موقتا تحمل کنند، تمام عمرشان بوده است و چه اندوه‌بار که سرگذشت ملتی با چنان گذشته‌ای، به انتظارکشیدن برای داشتن یک زندگی معمولی گره بخورد.

جدول ۵۴۳۲ طراح: بیژن کورانی

افقی:
۱- نوعی نان سنتی- بلندمرتبه- شتر تندرو ۲- جایز- مشگین‌شهر سابق- حساب‌کردن ۳- از شرکت‌های خودروساز چینی- فرایندی که موجب سازگاری جانوران با محیط اطرافشان می‌شود- ماه چهارم ۴- واحد شمارش یک خانواده- ادب ۵- از اجزای حیاتی در مدارهای الکتریکی- از چهره‌های سرشناس سینمای کمدی کلاسیک جهان ۶- مأمور تشریفات عصر صفوی- پول مالزی- نام آذری ۷- شخص- سمت چپ- بدزبانی ۸- گروه، دسته- روشنایی‌ها- نوشته حاشیه سند ۹- سال پرباران- سبز تیره- ترشح مخاطی دستگاه تنفسی ۱۰- ضمیر اول شخص- نرم‌افزاری برای برقراری تماس تلفنی اینترنتی- کامیون حمل مایعات ۱۱- نوعی بیماری گیاهی قارچی- چراغ پیشانی ۱۲- عبادتگاه مسیحیان- ترمومتر ۱۳- از القاب اشرافی اروپا- انبوه- باریک و کشیده ۱۴- تناسب- دور از نظر- تنها ۱۵- از بخش‌های اوستا- شاهد- رمانی نوشته رضا امیرخانی

عمودی:
۱- از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری دوبی- از خلفای عباسی ۲- خواب خیال‌انگیز- زبانی از شاخه زبان‌های سامی- پرستار ۳- با نیروی باد در آسمان به حرکت در می‌آید- رسوم- درجه بهسوزی بنزین ۴- واحد پول بلژیک- سهل‌انگاری- کتف ۵- ذاتش آب است و دشمنش هم آب- از طرح‌های شناخته‌شده فرش دستباف ایرانی- ساکن جزایر اطراف قطب شمال ۶- فلانی- رهرو- عظیم ۷- جاوید زنده مانم اگر ... من شوی- بزرگان- گلی زیبا ۸- از پیامبران بنی‌اسرائیل- از غدد درون‌ریز برای تنظیم رشد بدن- لقب خواجه‌سرایان بود ۹- انگشت- تخم ماهی- برخی از آن کوه می‌سازند ۱۰- بدگو- نام قدیم شهر جهرم- بشر ۱۱- درستی عقیده- پدر خود را در کودکی از دست داده- حرف همراهی ۱۲- مکان- کم‌ارتفاع- چاردیواری مسقف ۱۳- پوشیده و پنهان- سازی کوبه‌ای- تندرست ۱۴- رنگ نماد اقیانوسیه در حلقه المپیک- دارایی شخصی- شور ۱۵- خنده از روی خشم و کینه- لقب تیم ملی فوتبال کرواسی



حل سودوکو ۴۴۲۷

۴	۳	۹	۸	۷	۶	۱	۵	۲
۶	۲	۸	۵	۳	۱	۹	۴	۷
۱	۵	۷	۴	۲	۹	۳	۸	۶
۹	۶	۱	۷	۴	۸	۲	۳	۵
۸	۷	۲	۶	۵	۳	۴	۹	۱
۵	۴	۳	۹	۱	۲	۶	۷	۸
۷	۹	۴	۲	۶	۵	۸	۱	۳
۳	۸	۶	۱	۹	۷	۵	۲	۴
۲	۱	۵	۳	۸	۴	۷	۶	۹

۹	۴	۶	۱	۲	۵	۸	۷	۳
۳	۵	۲	۴	۷	۸	۶	۹	۱
۷	۸	۱	۳	۶	۹	۵	۴	۲
۶	۷	۸	۲	۱	۳	۴	۵	۹
۵	۱	۴	۷	۹	۶	۲	۳	۸
۲	۳	۹	۸	۵	۴	۷	۱	۶
۱	۹	۷	۶	۴	۲	۳	۸	۵
۸	۶	۵	۹	۳	۷	۱	۲	۴
۴	۲	۳	۵	۸	۱	۹	۶	۷

حل جدول ۵۴۳۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ج	ا	ه	د	■	ا	ت	ش	ن	ش	ا	ن	■	س	د
۲	ر	ف	■	م	ت	و	ر	م	■	ک	ن	س	ر	ت	و
۳	ب	ت	ا	د	ی	ن	■	ا	پ	ر	ت	■	ا	ر	ا
۴	■	ا	ح	س	ا	س	ی	■	د	ا	ن	ک	و	■	ت
۵	ا	ب	س	ت	ن	■	ن	چ	ی	ب	■	ر	ن	چ	ش
۶	م	ب	ن	ی	■	غ	ب	ا	د	■	ا	ن	د	و	ه
۷	ک	ا	ت	■	ز	ب	و	ن	■	ش	م	ا	ی	ل	■
۸	ا	ل	■	م	ا	ی	غ	■	ف	غ	ا	ل	■	ی	م
۹	■	ا	م	ا	ر	د	■	غ	ر	و	س	■	و	ا	و
۱۰	ک	ن	ا	ر	ی	■	ق	ص	و	ر	■	گ	ی	ر	ه
۱۱	ت	س	ل	ا	■	ب	ر	ا	ت	■	س	ن	د	ا	ن
۱۲	ا	■	م	ل	ت	ه	ب	■	ن	ا	ن	ج	ی	ب	■
۱۳	ی	ک	ی	■	م	م	ت	د	■	م	ج	ا	و	ر	ت
۱۴	و	ی	ر	ا	ن	ی	■	ا	و	ح	د	ی	■	ت	ک
۱۵	ن	د	■	م	ا	ی	و	ر	ک	ا	■	ش	و	س	ه

سودوکو سخت ۴۴۲۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۸	۴			۹	
			۲		۵	۳		۴
							۷	
	۸					۹	۲	۶
۹	۵			۲			۴	۷
۲	۱	۶					۵	
	۷							
۶		۱	۵		۹			
	۹			۱	۲			

سودوکو ساده ۴۴۲۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۷		۶	۵	۱		
	۹		۲				۶	۷
	۶		۸	۱				۹
۵					۶	۲	۹	
	۱	۹				۷	۴	
	۲	۴	۱					۶
۴				۹	۲		۱	
۱	۷				۸		۲	
		۲	۳	۴		۶		